

**Review, analysis and comparison of the fictional works of Mojtaba Bozorg Alavi and Najib Mahfouz With an approach to the basics of sociological critique**

**Abstract**

In Iran and Egypt, Mojtaba Bozorg Alavi and Najib Mahfouz are two current writers in the field of contemporary fiction. Attention to literary mission has reflected many social and group concerns in their fiction. Therefore, in the present study, citing library sources and descriptive-analytical method, the stories of the mentioned authors have been studied based on the components of sociological critique and comparative approach (American school). The results of the research show that the two have expressed their intentions and criticisms by intelligently combining politics and society.. Also, the reference to social shortcomings such as: addiction, betrayal, gambling, poverty, theft, murder, prostitution, etc. is quite evident in the works of the two authors

**Keywords:** Story, Society, Mojtaba Bozorg Alavi, Najib Mahfouz, Sociological Criticism, Comparative Literature.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰ صص ۱۴۲۶-۱۴۲۶

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.253884.1325>

## بررسی، تحلیل و مقایسه آثار داستانی مجتبی بزرگ‌علوی و نجیب محفوظ با رویکرد به مبانی نقد جامعه‌شناسانه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۲

نسرین زارعی<sup>۱</sup>

هادی حیدری‌نیا<sup>۲</sup>

محمود صادق‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

در ایران و مصر، مجتبی بزرگ‌علوی و نجیب محفوظ دو نویسنده جریان‌ساز در عرصه ادبیات داستانی معاصر به شمار می‌روند. توجه به خویشکاری ادبی، موجب انعکاس بسیاری از دغدغه‌های اجتماعی و گروهی در آثار داستانی آن‌ها شده است. به این اعتبار، در پژوهش حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی، داستان‌های نویسندگان مذکور بر اساس مؤلفه‌های نقد جامعه‌شناسی و رویکرد تطبیقی (مکتب آمریکایی) بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این دو با ترکیب هوشمندانه سیاست و اجتماع، منظور و نقد خود را بازگو کرده‌اند. آن‌ها از تضییع حقوق زنان در جامعه وقت ایران و مصر، دل‌مردگی مردم، عدم انسجام در مناسبات اجتماعی و نظام ارباب-رعیتی و فئودالی سخن گفته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** داستان، جامعه، مجتبی بزرگ‌علوی، نجیب محفوظ، نقد جامعه‌شناسانه،

ادبیات تطبیقی

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران.

[nasrinzareei.email@gmail.com](mailto:nasrinzareei.email@gmail.com)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران (نویسنده

مسئول). [heidari\\_hadi\\_pnuk@yahoo.com](mailto:heidari_hadi_pnuk@yahoo.com)

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران.

[sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir](mailto:sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir)

## ۱. مقدمه

جامعه‌شناسی، ارتباط تنگاتنگی با ادبیات دارد و این موضوع در عبارت «ادبیات آینه تمام‌نمای جامعه» است، خودنمایی می‌کند. با کمک این علم می‌توان اوضاع و احوال جامعه‌ای را که شاعر یا نویسنده در آن به خلق اثر پرداخته است، مورد کاوش قرار داد و میزان تأثیر و تأثر جامعه و اثر پدیدآمده را درک کرد. کاربرد مبانی جامعه‌شناسی این امکان را به پژوهشگران می‌دهد تا با نگرشی نوین به نقد اندیشه‌ها و آثار شاعران و نویسندگان بپردازند. بنابراین، جامعه را می‌توان بستر و عاملی اثرگذار برای خلق آثار گوناگون دانست. از طرفی، آثار ادبی، تاریخی و ... در هر دوره‌ای منابعی قابل استناد برای آگاه شدن از شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی هستند. در جوامع ایران و مصر، شرایط سیاسی با جامعه و زندگی عادی مردم گره خورده است. بسیاری از سیاست‌ها، در رقم خوردن شرایط مطلوب یا نامطلوب زندگی مردم اثرگذاری مستقیم دارد و کیفیت حیات ایشان را بهبود می‌بخشد یا به اضمحلال می‌کشد. بسیاری از این سیاست‌ها در خلق یک اثر ادبی، خاصه داستانی مؤثر هستند. یک نویسنده متعهد که برای خویش رسالتی ادبی تعریف کرده است، نمی‌تواند در برابر چنین موضوعاتی، بی‌تفاوت عمل کند. از این‌رو، شماری از نویسندگان در این جوامع، به عنوان کنش-گر سیاسی شمرده می‌شوند و در متن رویدادهای مهم مرتبط با سیاست قرار می‌گیرند. همه صاحب-نظران بر این باورند که هر گونه آثار ادبی خلق شده در جامعه، به واسطه عوامل و تأثیرات زمانه پدید می‌آیند. در نتیجه، هیچ نویسنده‌ای را نمی‌توان یافت که در نوشته‌اش به موضوعات اجتماعی پرداخته باشد.

## ۱-۱. بیان مسأله

در ایران، مجتبی بزرگ‌علوی و در مصر، نجیب محفوظ ذیل این توصیفات جای می‌گیرند. آن‌ها مردم را در آثار خود به گونه‌ای مؤثر دخالت داده‌اند و با جریان‌سازی‌های مختلف در عرصه داستان-نویسی، تلاش کرده‌اند بُعدی مردمی و همگانی به آثار خود بدهند و آن را از انحصار یک گروه و طبقه خاص درآورند. اگرچه غالب شخصیت‌هایی که دو نویسنده مذکور از ایشان سخن می‌گویند، به لحاظ پایگاه اجتماعی و تحصیلات، سطح بالایی ندارند، ولی به عنوان بخشی از جامعه و در مجموع، به عنوان یک انسان مورد نظر هستند. افرادی که در بدبختی می‌لوند و انواع بزهکاری‌ها را به دلیل بی-توجهی دولت و نیز، عدم بینش وسیع خود تاب می‌آورند و تجربه می‌کنند. بزرگ‌علوی و محفوظ جامعه را با همه عناصر مطلوب و نامطلوب آن می‌بینند و نگاه انتقادی این دو باعث شده است،

واکاوی عنصرهای نامطلوب و بازتاب آن، اهمّیت ویژه‌تری پیدا کند. بنابراین، داستان‌های این دو انعکاس‌دهنده دردهای جامعه است. جامعه‌ای که با آسیب‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کند و عدم مسئولیت‌پذیری زمامداران کشور، این شرایط را وخیم‌تر کرده است. بزرگ‌علوی و محفوظ سعی می‌کنند به واسطه بازگویی این نقدها، مردم را نسبت به حقوق تضییع‌شده خود آگاه کنند و تلنگری به کسانی بزنند که در رأس امور قرار دارند و قادر به انجام اقدامی برای بهبود اوضاع هستند. بر این اساس، مسأله اصلی در تحقیق حاضر، بررسی اوضاع و احوال جامعه روزگار بزرگ‌علوی و نجیب محفوظ و تحلیل نگاه نقادانه این دو نویسنده به رویدادهای اجتماعی است تا نشان داده شود که آن‌ها چگونه به جامعه زمان خود می‌اندیشیدند و چه تصویری از مردمی که میان آن‌ها زندگی می‌کردند، داشتند و مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی آنان چه بوده است؟

#### ۲-۱. ضرورت و اهمّیت تحقیق

آثار داستانی از جمله رمان‌ها بستری مناسب برای انعکاس وضعیّت جامعه‌ای هستند که نویسنده در آن زندگی می‌کند. به تعبیر دیگر، داستان‌ها به عنوان بخش مهمی از ادبیات، بسیاری از نشانه‌های اجتماعی را در خود جای داده‌اند. نویسندگان متعهد و مردمی از هنر نویسندگی خویش برای تبیین مشکلات اجتماعی استفاده می‌کنند. اگرچه نویسندگان داستان‌ها، جامعه‌شناس نیستند، اما با خلق شخصیت‌ها و صحنه‌های گوناگون، عینیت‌نمایی و کاربست زبانی باورپذیر، سیمایی واقعی از جامعه و اعضای آن نشان می‌دهند. با دسترسی به داده‌های دقیقی از جامعه، می‌توان با ضرب اطمینان بیشتری درباره نقاط قوت و ضعف آن بحث کرد و با کنکاش دقیق اطلاعات، راهکارهایی برای ارتقای سطح زندگی مردم و درک اجتماعی آنان ارائه داد. بنابراین، آثار داستانی با محوریت اجتماع، بر گستره مرزهای شناخت مخاطبان از جامعه و حساسیت و تیزبینی افراد نسبت به مسائل اجتماعی می‌افزایند. به عبارت دیگر، خوانش این داستان‌ها موجب تحریک‌پذیری بینش و شعور اجتماعی افراد می‌شود.

#### ۳-۱. روش تحقیق

این تحقیق بر اساس شیوه توصیفی-تحلیلی و روش استقرایی (جزء به کل) نوشته شده و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. رویکرد نویسنده در این تحقیق، تطبیقی (مکتب آمریکایی) است و قدرت قلم و منظومه فکری بزرگ‌علوی و محفوظ بدون آنکه نیازی به اثبات تأثیر و تأثر آنان باشد، مقایسه شده است. ساختار بخش اصلی مقاله به این صورت است که ابتدا

وجوه اشتراک آراء اجتماعی دو نویسنده بررسی شده و شاهد مثال‌ها ارائه گردیده و در ادامه به وجوه افتراق نظرات آن‌ها اشاره شده است.

#### ۴-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون در چند پژوهش، مقایسه‌ای میان داستان‌های بزرگ‌علوی و محفوظ انجام شده است. حبیبی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «واکاوی تطبیقی عنصر صحنه در داستان‌های بزرگ‌علوی و نجیب محفوظ با رویکرد به داستان‌های گیله‌مرد و ماه عسل» به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو اثر از شیوه‌های نمایشی، توصیفی و لحظه‌پردازی برای برقراری ارتباط خواننده داستان‌ها با عناصر داستانی نظیر شخصیت‌ها، موقعیت مکانی و زمانی، پایگاه اجتماعی و ... بهره برده‌اند. دهقان اشتیوانی و شعبانی (۱۳۹۷)، در مقاله خود با عنوان «تطبیق مؤلفه‌های رئالیسم و کارکرد آن در داستان‌های گیله‌مرد و میرامار» به این نتیجه رسیده‌اند که به دلیل همسانی‌های بافتاری جوامع ایران و مصر، در بیشتر موارد، دو نویسنده آراء نزدیکی به هم داشته‌اند و ساختار و محتوای دو داستان دارای شباهت‌های قابل توجهی است.

در هیچ‌کدام از پژوهش‌های یادشده، مسائل اجتماعی در همه آثار داستانی بزرگ‌علوی و محفوظ بررسی، تحلیل و مقایسه نشده و موضوعات مورد بررسی، سطحی، موردی و گذرا بوده است. این در حالی است که دو نویسنده مذکور در گستره ادبیات داستانی معاصر فارسی و عربی، از چهره‌های شاخصی بوده‌اند و به عنوان نویسندگان جریان‌ساز مورد نظر و تتبع دیگران قرار گرفته‌اند. این خلأ پژوهشی بر جنبه‌های نوآورانه مقاله حاضر می‌افزاید.

#### ۵-۱. مفاهیم تخصصی تحقیق

##### ۱-۵. نقد جامعه‌شناسی

این اصطلاح برای نخستین بار در کتاب ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی و به سال ۱۸۰۰ میلادی به کار گرفته شد و بعدها، ایپولیت تن (Hippolyte Taine) با تأکید بر سه مؤلفه نژاد، محیط و زمان اعلام کرد که پدیده‌های اجتماعی به ویژه ادبیات به صورت مستقیم تحت تأثیر مؤلفه‌های مذکور قرار دارند (عسگری‌حسنکلو، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶). پس از او، جریان نقد جامعه‌شناختی با آراء کارل مارکس (Karl Marx) و به ویژه جورج لوکاک (György Lukács) و لوسین گلدمن (Lucien Goldmann) رشد پیدا کرد. لوکاک در کتاب مهم خود، تاریخ و آگاهی طبقاتی «ساختارهای ذهنی به ویژه ساختارهای ادبی را پیوند می‌دهد به ساختارهای اجتماعی» (پوینده، ۱۳۷۸:

۱۰۰). گلدمن نیز، باور دارد که «جامعه‌شناسان ادبیات توانسته‌اند نشان دهند که این وقایع‌نامه اجتماعی کمابیش جامعه عصر خود را منعکس کرده است» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۷). امتیاز نقد جامعه‌شناختی آن است که نگرش عینی را در عرصه‌ای خاص و ملموس مطرح می‌کند. در واقع، امروز نگرش عینی به مرجع دائمی و اجباری تبدیل شده است و نقد جامعه‌شناختی ایجاب می‌کند که هر آنچه در ملغمه عجیب و غریب متن به تاریخ، اجتماع، ایدئولوژی و فرهنگ مربوط است، خواننده شود (باربری، ۱۳۷۸: ۶۱). لوکاچ و گلدمن سعی کرده‌اند ایدئولوژی‌های مستتر در آثار ادبی را به لایه‌های اجتماعی پیوند دهند و به این واسطه، میان ساختارهای ادبی و اجتماعی ارتباطی دوسویه برقرار کنند.

## ۲. بحث اصلی

بزرگ‌علوی در داستان‌نویسی فارسی یکی از اولین‌هاست. او پس از آنکه تحصیلات خود را در اروپا به پایان رسانید، راهی ایران شد و «در نشست‌های ادبی هدایت و دوستانش، مجتبی مینوی، مسعود فرزاد و عبدالحسین نوشین شرکت کرد» (هاشمیان و کمالی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). او باورهای سیاسی ویژه خودش را داشت که عموماً با حاکمیت وقت در تضاد بود. از این‌رو، به زندان افتاد. این اتفاقات تحولات مهمی در زندگی شخصی و ادبی او به وجود آورد. مهم‌ترین وجهی که در آثار او دیده می‌شود، پرداختن به مسائل اجتماعی است. مهم‌ترین آثار داستانی او عبارتند از: *سالاری‌ها*، *چمدان*، *میرزا*، *چشم‌هایش*، *گیله‌مرد*، *موریانه* و *ورق‌پاره‌های زندان*.

نجیب محفوظ عبدالعزیز ابراهیم احمد الباشا، نویسنده و نمایشنامه‌نویس *مصری* و برنده جایزه نوبل ادبیات به سال ۱۹۸۸ میلادی، در یکی از محلات *قاهره* به نام *جمیلیه* به دنیا آمد. او سی کتاب داستانی نوشته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: *کوچه مدق* (زقاق‌المدق)، *ثلاثیه‌القاهره* (سه داستان از قاهره)، *شهرالعسل* (ماه عسل)، *میرامار*، *الرص والکلاب* (دزد و سگ‌ها) *الشحاذ* (گدا)، *لیالی ألف ليله* و *لیله* (شب‌های هزار و یک شب)، *اولاد حارتنا* (بچه‌های محله ما) و *بین‌القصرین* (میان دو کاخ).

بزرگ‌علوی و نجیب محفوظ در سطح فکری دارای وجوه اشتراک و افتراق متنوعی هستند. این موضوع ضمن آنکه همسانی بافت جوامع ایران و مصر را تأیید می‌کند، دال بر تفاوت‌هایی -هرچند محدود- میان مردم دو کشور است. هر دو نویسنده از دغدغه‌هایی سخن می‌گویند که گستره فراگیری آن، بسیار است و غالب اعضای جامعه قادر به ارتباط‌گیری با آن هستند؛ زیرا مشکلات طرح‌شده در این داستان‌ها، دردهای خرد و کلان خودشان است. شخصیت‌ها و لایه‌های گوناگون جامعه ایران و مصر در این داستان‌ها دیده می‌شوند. مخاطب با خوانش این داستان‌ها خود را در بطن جامعه توصیف-

شده می‌بیند و رویدادها برای او عینیت‌نمایی می‌شوند. از این‌رو، پیوند عمیقی میان خالق اثر، متن تولیدی و مخاطب به وجود می‌آید. در این بخش، ابتدا وجوه اشتراک موضوعات اجتماعی در آثار داستانی بزرگ‌علوی و محفوظ بررسی می‌شود و در ادامه، وجوه افتراق آراء دو نویسنده کاویده خواهد شد.

## ۲-۱. وجوه اشتراک موضوعات اجتماعی در داستان‌های بزرگ‌علوی و محفوظ

### ۲-۱-۱. انجام مبارزات سیاسی- اجتماعی برای ساختن دنیایی بهتر

در سال‌های حکومت رضا شاه پهلوی، بسیاری از شخصیت‌های علمی و ادبی با سیاست‌های وقت مخالفت کردند و مبانی فکری شاه را برای اداره کشور به چالش کشیدند. بزرگ‌علوی در داستان‌های خود به نقد مبانی حکومت وقت پرداخته و از سوی دیگر، زیر نظر حزب مطبوعش، از طریق مبارزات سیاسی، آرمان‌های آنان را پی گرفته و برای تحقق آن در جامعه کوشیده است. یکی از داستان‌های سیاسی- اجتماعی بزرگ‌علوی، گیله‌مرد نام دارد که شخصیت اصلی داستان (لاور) همواره با برانگیختن روستاییان و رهبری اعتراض آنان، در برابر نیروهای حکومتی ایستادگی نشان داده و از حقوق خود دفاع کرده است. هنگامی که گیله‌مرد بر محمدولی (مأمور دولت) چیره می‌شود، هویت خود را فاش می‌کند و می‌گوید: «آگل منم. بیچاره، آگل لولمانی از غصه دخترش دق مرگ شد. من گفتم که اگر قاتل صغری را به من بدهند، آگل تسلیم می‌شه. آره آگل نیست که تسلیم بشه. اتوبوس توی جاده را من زدم ... آره من خودم لاور هم بودم. سواد هم دارم ... پنج ساله یاد گرفتم» (علوی، ۱۳۵۷: ۶۱-۶۲). شخصیت‌پردازی نویسنده در این بخش کاملاً در راستای دیدگاه‌های اجتماعی او قرار دارد. علوی فردی را شخصیت محوری داستان قرار می‌دهد که روحیه‌ای مبارز و پرتکاپو دارد و نماینده بخش بزرگی از مردم جامعه معاصر محسوب می‌شود. کسی که تمایلات اعضای جامعه در او متبلور شده و رهبری بخشی از مبارزات مردم روستا را بر عهده گرفته است. بر این پایه، می‌توان گفت در داستان «تنها صحبت بر سر ظلم و ستمی که بر گیله‌مرد رفته، نیست، بلکه منظور ظلم و ستمی است که بر نوع گیله‌مرد می‌رود» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۴۵۹-۴۶۰). برخی ویژگی‌های گیله‌مرد همچون باسوادی، او را از گروه قابل توجهی از معاصرانش تمییز می‌دهد. او در اثر ارتباط با محیط پیرامون و نگاه انتقادی به رویدادهای اجتماعی، به تکامل رسیده و به مثابه یک قهرمان نمود یافته است.

نجیب محفوظ نیز، در برخی از داستان‌ها از جمله میرامار به شخصیت‌هایی می‌پردازد که روحیه‌ای انقلابی دارند. عامریگ شخصیتی است که خوی و منش جهادی دارد و سعی می‌کند با انجام مبارزات

گونگون، گام‌هایی مؤثر برای پیروزی انقلاب بردارد. او در این راه به قدری مصمم است که وقتی یاران دیگرش او را «سگ مطیع ملت» می‌خوانند، از این لقب ابراز رضایت می‌کند و آن را مایه افتخار می‌داند. این امر نشان از اراده راسخ افرادی چون عامریگ دارد که برای برهم‌زدن نظم کنونی و رسیدن به آرمان‌شهر حقیقی تلاش می‌کنند: «عامریگ! [می‌گوید:] او (پاشا) دوستم داشت و مقالتم را صادقانه پیگیری می‌کرد. یک‌بار به من گفت: تو سگ مطیع ملتی! خدا رحمتش کند ... یاران قدیمی در حزب وطن که این سخنان را شنیده بودند، هر وقت مرا می‌دیدند، با صدای بلند می‌گفتند: اهلاً به سگ مطیع ملت! آن روزها، روزهای شکوه و جهاد و سلحشوری بود» (محفوظ، ۱۳۸۶: ۱۰-۹). در بخش دیگری از داستان، حسنی عَلام (نماینده طبقه ملاکین)، موافقت خود را با انقلاب و مبارزات پیرامون آن اعلام می‌کند. او صراحتاً اشاره می‌کند که هدف انقلاب ۱۹۱۹ میلادی تصفیه اقدار سرمایه‌دار و زمین‌دارانی بوده است که خون مردم را در شیشه کرده بودند. شخصیت دیگری که در پانسیون حضور دارد، منصور باهی است که با حسنی عَلام اختلاف نظر دارد. از دید او، انقلاب به گونه‌ای که باید در برابر این گروه ایستادگی نشان نداده است: «حسنی عَلام گفت: من به انقلاب کاملاً اعتقاد دارم و به این دلیل خودم را یک انقلابی علیه طبقه‌ام می‌دانم، طبقه‌ای که انقلاب برای حذف و تصفیه‌اش آمده ... منصور باهی گفت: به هر حال، انقلاب که از شما چیزی نگرفت. علتش این نیست، حتی تهی‌دستان طبقه ما از انقلاب ناراضی‌اند. و دوباره منصور باهی گفت: من کاملاً مطمئن هستم که انقلاب بیش از آنچه لازم است نسبت به دشمنانش مدارا نشان داده!» (همان: ۳۸).

## ۲-۱-۲. کنشگری زنانه و شخصیت مستقل آنان

بزرگ‌علوی رشد یک جامعه را در گرو شکوفایی زنان می‌داند. اگر زنان یک جامعه از توانش ذهنی و رفتاری ویژه‌ای برخوردار نباشند، مردان آن جامعه هرگز روی پیشرفت و تعالی را نخواهند دید. بر اساس این پیش‌انگاره، «شخصیت‌های زن در داستان‌های بزرگ‌علوی نقشی پویا دارند و در راه عشق، فداکارتر و ثابت‌قدم‌تر از مردان هستند» (میرعابدینی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). در داستان «عروس هزار داماد» از مجموعه چمدان، بزرگ‌علوی به یکی از نمادهای کنشگری زنانه یعنی آواز و سرودخوانی - که می‌توان آن را ذیل عنوان کنشگری فرهنگی جای داد- اشاره می‌کند. نکته جالب این است که گرایش سوسن به خواندن آواز، باعث تغییر مسیر زندگی شخصیت مرد داستان می‌شود و او را به عالم ساز زدن سوق می‌دهد. بنابراین، سرنوشت شغلی یک فرد با تأثیرپذیری از یک زن رقم می‌خورد: «یک شب هنگامی که همه خوابیده بودند، از روی پشت‌بام همسایه گذشت. دزدکی پشت دیوار خانه‌ای که



از آنجا صدای آواز می‌آمد، رفت. سوسن با یک خواهر بزرگ‌ترش و یک مرد دیگر که شاید پدر آنها بود، نشسته بود. از کتاب حافظ می‌خواند. گاهی بعضی شعرها را با آواز می‌خواند. پسر از همان وقت تصمیم گرفت حتماً موسیقی را کامل یاد بگیرد تا بتواند اینجور موسیقی ایجاد کند. بعدها وقتی که آن دختر آواز می‌خواند، او هم با تار همراهی می‌کرد. بعد رفت فرنگ و آنجا ویلن یاد گرفت» (بزرگ علوی، ۱۳۱۳: ۳۹).

در داستان میرامار، زهره یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای است که بخشی از افکار محفوظ پیرامون او می‌گردد. نویسنده با استفاده از عناصر داستانی گوناگون، این شخصیت را به گونه‌ای خلق کرده که انعکاس‌دهنده جایگاه تبعیض‌آمیز زنان و دغدغه‌های اصلی آنان در جامعه است. زهره در داستان میرامار نمادی از زنانی است که تحت ستم مردان خودکامه و لذت‌جو قرار دارند، اما بجای سکوت و تن دادن به شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند، سعی می‌کنند به استقلال شخصیتی برسند و زندگی جدیدی برای خود ایجاد کنند. در بخش‌هایی از داستان، محفوظ از زبان زهره، نگاه ابزاری به زنان را نکوهش کرده است. پدر بزرگ او قصد دارد در برابر دریافت مبلغی، زهره را به عقد پیرمردی درآورد که با مقاومت دختر روبه‌رو می‌شود. زهره درباره رفتار و نگرش پدر بزرگ خود می‌گوید: «او را بیشتر از چشمانم دوست داشتم، اما پدر بزرگم فقط دنبال کسب منفعت از من بود، اما طلبه مرزوق مخالف-سرایی‌اش را ادامه داد: اگر می‌توانستی مثل یک مرد باشی، چرا مجبور شدی فرار کنی؟ در دفاع از او گفتم: طلبه بیک، تو حال و هوای روستا و قداست سنت‌های آباء و اجدادی وحشتناک آنها را بهتر می‌شناسی، او یا مجبور بود به آن ازدواج کدایی تن بدهد یا فرار کند» (محفوظ، ۱۳۸۶: ۳۱). تضییع حقوق زنان در جامعه سنتی مصر، موضوعی است که در این گفتگوی کوتاه نمود دارد.

## ۲-۱-۳. نگاه جنسی و ابزاری به زنان و کالانگاری آنان

یکی از موضوعاتی که در آراء فمینیست‌ها برجسته شده، اعتراض به نگاه جنسی و ابزاری به زنان است. مردان با حمایت قانون، سنت و مذهب، زنان را کالایی تصور می‌کنند و بر اساس این پیش‌انگاره نادرست، با او برخورد می‌کنند. فمینیست‌ها خواهان اصلاح این رویکرد و تشخیص بخشی به زنان هستند تا همچون مردان به شخصیتی مستقل دست پیدا کنند و حق انتخاب در زمینه‌های گوناگون زندگی از جمله برقراری روابط عاطفی داشته باشند. در داستان «عروس هزار داماد»، این نگاه نامطلوب به زنان محسوس است. سوسکی که زنی تن‌فروش است، خود را کالایی توصیف می‌کند و برای عرضه خویشتن، به دنبال مشتری‌هایی از جنس مذکر می‌گردد. او با عشوه‌های زنانه سعی می‌کند توجه

مردان را به خود جلب کند: «سوسکی خیره به مشتری تازه نگاه می‌کرد. سر تا پای او را برانداز می‌کرد. می‌شود پولی از او درآورد. "آقا چی میل داشتید؟ چی دارید؟" معلوم بود که مشتری است. "هرچه بخواهید"» (بزرگ‌علوی، ۱۳۱۳: ۳۷).

نجیب محفوظ در داستان «العالم الآخر» از مجموعه ماه عسل، زنان جوانی را به تصویر می‌کشد که در ورودی قهوه‌خانه با رقص و آواز، توجه رهگذرها را جلب می‌کنند و آنها را برای وارد شدن به این مکان تحت تأثیر قرار می‌دهند. شاید به این دلیل که «جامعه از زن می‌خواهد خود را به یک شیء اروتیک بدل نماید» (دوبووار، ۱۳۸۰: ۲۳۶). در بخش دیگری از داستان، هنگامی که دانشجوی جوان وارد قهوه‌خانه می‌شود تا زنان حاضر را به کنشگری‌های اجتماعی دعوت کند، با دیدن حالت رقصندگی و جذابیت‌های جنسی آنها مجذوب و از خود بی‌خود می‌شود. محفوظ باور دارد که زنانی با این طرز فکر و رفتار، حتی قادر هستند افراد انگیزه‌مند و دارای اهداف عالی را دچار تزلزل کنند و به ابتذال بکشانند: «جوان خواست حرف بزند که موسیقی داخل قهوه‌خانه نواخته شد و زن جوان دوباره شروع به رقص کرد. چشمان جوان به شدت مجذوب زن شد» (محفوظ، ۱۳۹۰: ۴۲). نجیب محفوظ همچون بزرگ‌علوی، افزون بر مردان و فرهنگ مردسالار، زنان را هم در پیدایی و تداوم نگاه ابزاری به جنس مؤنث دخیل می‌داند. از دید نویسنده، این قشر، شیء‌شدگی را به عنوان یک ارزش پذیرفته‌اند و آن را بخشی از شخصیت و هویت زنانه خود می‌دانند. بنابراین، تلاشی برای برون‌رفت از این بن‌بست نشان نمی‌دهند و حتی، زمینه‌های گسترش این نگرش را برای کسب منافع مالی فراهم می‌کنند. بر این اساس، محفوظ، در آثار داستانی خود «به بحث در باب آزادی زنان، تعلیم و تربیت آنان و مسأله اشتغال زنان می‌پردازد و پیوسته تغییر و تحول در وضعیت اجتماعی زنان را مد نظر قرار می‌دهد» (محمدسعید، ۱۳۷۸: ۲۳).

## ۲-۱-۴. فرهنگ مردسالاری

یکی از نموده‌های فرهنگ مردسالار که با شخصیت زنان گره خورده، رفتار توهین‌آمیز و همراه با تحقیر جنس مذکر علیه جنس دوّم است. زنان تحت تأثیر هژمونی خشن و نرم قدرت مردانه، همواره احساس ضعف کرده‌اند و به این اعتبار، راه چاره را برای در امان ماندن از عتاب جنس غالب، فرمانبرداری صرف از او و تن دادن به حقارت دانسته‌اند. در داستان «عرس هزار داماد»، زنان تلاشی برای دفاع از هویت پایمال‌شده خود نمی‌کنند و انواع توهین‌ها را تاب می‌آورند. شاید به این دلیل که هویت آنان به حضور مردان گره خورده و ورای جنس مذکر، شخصیت مستقلی برای خود قائل

نیستند. ساززن نسبت به جنس زن بیزار است. شاید در لایه‌های زیرین این نگاه، زمینه‌های فرهنگ مردسالاری دیده می‌شود. فرهنگی که همواره زنان را در جایگاه تحقیرآمیز قرار می‌دهد و به مردان برتری می‌بخشد: «آن وقت سوسن را بوسید و گفت: برو. از آن شب دیگر از زن‌ها بیزار بود» (بزرگ- علوی، ۱۳۱۳: ۴۱).

بی‌تردید فراگیری رفتار و نگرش تحقیرآمیز برخی مردان در ارتباط با زنان به فرهنگ مردسالار رایج در جامعه بستگی دارد. در ساختار این فرهنگ تک‌بُعدی، «شناخت و هویت زن در ارتباط با مرد مشخص می‌شود. پس، زن تبدیل به دیگری می‌شود که ویژگی‌های منفی را داراست، در حالی که مرد دارای مقام و جایگاه ممتاز و سیطره بر امور است» (الرویلی و البازغی، ۲۰۰۰م: ۲۲۰). بنابراین، مردان این حق را برای خود قائل می‌شوند که با پیش‌انگاره منفی خود، جنس مؤنث را از دریچه‌ای نامطلوب بنگرند و بد رفتاری با او را روا بشمارند. نجیب محفوظ در داستان «العالم الآخر» از مجموعه ماه عسل، از زبان یکی از شخصیت‌های زن، یکی از باورهای نادرستی را که درباره جنس مؤنث روایی دارد، مطرح می‌کند و تلویحاً این نگاه برتری‌جویانه را نکوهش می‌کند. زنی که به لحاظ روحی و جسمانی شرایط مساعدی ندارد، نه تنها حمایت نمی‌شود، بلکه بی‌عقل و مجنون نام می‌گیرد. در نتیجه، به دلیل عدول از سنت رفتاری مردمحور، دیوانه خوانده می‌شود: «چه اتفاقی برایش افتاده خانم؟ صاحب قهوه- خانه هم بی‌درنگ پاسخ داد: عقلش را از دست داده!» (محفوظ، ۱۳۹۰: ۵۶).

## ۲-۱-۵. بازنمایی آسیب‌های اجتماعی

یکی از آسیب‌هایی که در داستان «در به در» از مجموعه میرزا بازنمایی شده، قماربازی است که زنان را به ابزار و بازیچه‌ای در دست مردان بدل کرده است. زنان باید کنار میز قمار حاضر شوند و پایه‌پای مردان قماربازی کنند. حتی خودشان، گاهی وثیقه و ضمانتی برای تداوم بازی هستند: «بیشتر از آنچه زن می‌باخت، او می‌برد. پرنسس ... تمام امیدش این بود که در صورت برد همان روز سوار هواپیما بشود و شاید به تهران برگردد. دیگر از دست کارگاهان و از شر مردی که روبه‌رویش نشسته بود، خلاص می‌شد». (بزرگ‌علوی، ۱۳۸۳: ۷۱) در داستان «سرباز سربی» از مجموعه چمدان، اعتیاد به عنوان مقوله‌ای خانمان‌سوز بازنمایی شده است. کوکب از تجربیات تلخ خود سخن می‌گوید. زندگی مشترک او با مردی که سال‌ها کنار هم زندگی کرده بودند، از هم پاشیده و مرد به شخصیتی عصبانی، خطرناک و آزاردهنده بدل شده است. آسیب‌های ناشی از اعتیاد، در نخستین گام، خانواده را نشانه می‌گیرد و اعضای آن را با بحران‌های بسیاری مواجه می‌کند: «زمستان پارسال بود. من شب رفتم توی

اتاق بخوابم. دیدم لحاف و اسباب اتاق سوخته و رویش آب ریخته شده و آتش خاموش شده. نگو که وقتی من نبودم، آمده بوده بغچه من رو زیر و رو کرده بوده و تمام کرسی را بهم زده بوده. بک مرتبه آتش منقل ریخته بوده روی لحاف، نزدیک بوده که اتاق الو بگیره» (بزرگ‌علوی، ۱۳۱۳: ۸۶-۸۷).

محفوظ نیز، در داستان‌های خود به آسیب‌های مختلفی اشاره می‌کند. در رمان «دزد و سگ‌ها»، جنایت و خوی وحشی‌گری و میل یک جانی به قتل دیگران بازنمایی شده است. این فرد که به زعم خودش، با بدرفتاری اطرافیان و خیانت آنان مواجه شده، اینک برای انتقام آماده است و در ذهن خود نقشه‌ای خبیثانه برای کشتن کسانی که حقش را تضییع کرده‌اند، آماده می‌کند: «اگر با هم کشته شوند، اوج پیروزی است ... بالاتر از آن اینکه بشود با رئوف علوان حساب‌ها را تسویه کند. سپس فرار ... فرار به خارج از کشور ... بعد از این حادثه اتومبیل هم، تعقیب شدت خواهد گرفت. کیف پسر صاحب کارخانه هم جز چند جنیه چیز دیگری نداشت. این هم از بدشانسی بود. اگر سریع نزنم، همه چیز بهم خواهد ریخت، اما چه کسی برای سنا باقی می‌ماند؟!» (محفوظ، ۱۳۸۰: ۷۱). در بخش دیگری از رمان، همسر سعید و دوست نزدیکش به او خیانت کرده و اموالش را مصادره می‌کنند. این موضوع، زمینه اصلی انتقام‌جویی‌های سلسله‌وار سعید در رمان می‌شود: «با یکی از حقیرترین وردست‌هایم به من خیانت کرد. شاگردی که مانند سگ جلوم می‌ایستاد. به دلیل زندانی شدن من، طلاق خواست و با او ازدواج کرد» (همان: ۳۳). در رمان «گدا»، با خیانت‌های پی‌درپی عمر به همسر و دخترش مواجه هستیم. او که از روشنفکران جامعه است، کاملاً غیرمسئولانه رفتار می‌کند، به طوری که موجب شگفتی مخاطب می‌شود: «عمر در جای‌جای داستان می‌خواهد با عشق زنان خود را از بحران برهاند و گویی این عشق نوعی دارو برای درمان دردها و بیماری اوست» (حیدری و فتحی‌فتح، ۱۳۹۳: ۸۲). عمر با حضور در کاباره‌ها به آرامش می‌رسد و وجدان خود را در این زمینه نادیده می‌گیرد: «آدم به ندرت می‌تواند در این گونه کاباره‌ها به نشئه عشق دست یابد. عمر به تمسخر گفت: جوینده یابنده است. می‌دانی این روزها هر وقت زینب را می‌بینم، دچار عذاب وجدان می‌شوم؟ با بی‌اعتنایی گفت: دردهایی هست که از ناز و کرشمه وجدان بدتر است» (محفوظ، ۱۳۸۸: ۷۲-۷۳).

## ۲-۱-۶. خفقان سیاسی و اوضاع نامطلوب زندان‌ها

در حکومت پهلوی، به ویژه از دهه چهل خورشیدی به بعد، شرایط سیاسی کشور دشوارتر شد و شاه وقت، با محدود کردن آزادی‌های مدنی، موجبات نارضایتی‌های بسیاری را فراهم آورد. گروه‌های سیاسی مخالف به کنشگری‌هایی دست زدند، اما برخورد حکومت وقت، غالباً قهری و سرکوب‌کننده

بود. در داستان «میرزا» از مجموعه‌ای به همین نام، راوی از زندانیان و شخصیت‌هایی سخن می‌گوید که در زندان‌های حکومت پهلوی شکنجه شده‌اند و یا جان سپرده‌اند: «در هر ملاقات، صحبت ما دور کسانی می‌گردد که در زندان‌ها پیر و شکسته شده‌اند و یا در قتلگاه‌ها جان سپرده‌اند ... بالاخره همه این‌ها که آواره شده‌اند یا توده‌ای بوده‌اند و یا مصدقی» (بزرگ‌علوی، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰). زندانیان سیاسی در شرایط نامطلوبی بودند و رژیم وقت به این دلیل و بهانه که آراء این افراد مخالف مصالح حاکمیت است، بدترین رفتار را بر آنان روا می‌داشتند. بزرگ‌علوی «برخی از بهترین داستان‌های کوتاه خود را در زندان نوشته و از پدیدآورندگان جریانی به نام ادبیات زندان شده است. این مجموعه که پس از سقوط رضا شاه با عنوان "ورق‌پاره‌های زندان" منتشر شد، برگرفته از تجربه نویسنده و توصیفی از فضای زندان و حالات شخصی و درونی زندانیان است» (میرعابدینی، ۱۳۹۲: ۵۲۴). در داستان «یکه‌وتنها» از مجموعه میرزا، یک زندانی از سختی‌های خود در سلول انفرادی سخن می‌گوید که به مدت شش ماه به طول انجامید: «شش ماه تمام در سلول‌های انفرادی به سر بردم و تنها کسی که حق داشت سوای بازپرس با من گفتگو کند، همین خازن بود» (بزرگ‌علوی، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

در رمان «گدا»، مصطفی از عدم آزادی‌های کافی در جامعه وقت مصر سخن می‌گوید. او که از سوسیالیست‌های کنشگر و هوادار مردم و کارگران بوده است، از دولت گلایه و انتقاد می‌کند. از دید او، تا زمانی که دولت زمام امور را در اختیار دارد، مردم به خوشی و سعادت دست پیدا نمی‌کنند: «مادام که دولت زمام پیشرفت را به دست گرفته و می‌تازد، بهتر نیست که ما به کارهای خودمان پردازیم؟ مثل فروختن تخمه و چس‌فیل و سؤال کردن از معنای هستی! ... در سکوت به سیگار کشیدن پرداختند» (محفوظ، ۱۳۸۸: ۱۰۲). در بخش دیگری از رمان، شاهد بازنمایی بدرفتاری حکومت با یکی از زندانیان هستیم. فرد محبوس که نماد مقاومت حق‌طلبان و آزادی‌خواهان محسوب می‌شود، در برابر شکنجه‌ها و تحقیرهای وارده ایستادگی نشان می‌دهد و این شرایط غیرانسانی را تاب می‌آورد: «او اعتراف نکرد، زجر کشید و اعتراف نکرد. و در تاریکی آب شد گویی که هرگز نبوده است، اما تو از خوشی بیمار می‌شوی. و همسرت نمادی از آشپزخانه و بانک شده است» (همان: ۲۱).

## ۲-۱-۷. نقد نظام ارباب - رعیتی و فئودالی

داستان گيله‌مرد در سال‌هایی به وقوع پیوست که هنوز در ایران نظام ارباب - رعیتی به حیات خود ادامه می‌داد. «این داستان، روایت گیلانی مبارزی است که پس از شهریور ۱۳۲۰ در جنبش دهقانی شرکت دارد» (صلاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۰). دهقانان همچون برده‌ای موظف به کار در زمین‌های

کشاورزی بودند و تخطی از این وظیفه، عواقب مالی و جانی وخیمی برای آنان به همراه داشت. حکومت نیز، به واسطه دریافت مالیات‌های گزاف از زمین‌داران، به آن‌ها آزادی کامل داده بود. در چنین فضایی، نابرابری اجتماعی افزایش یافت و استثمار به امری عادی بدل گردید. نویسنده از زبان یکی از مأموران به نام محمدولی، ابتدا توجیه حکومت را بازگو می‌کند: «پس مالک از کجا زندگی کنه؟ مالیات را از کجا بده؟ دولت پول نداشته باشه، پس تکلیف ما چیه؟ همین‌طوری کردید که پارسال چهار ماه حقوق ما را عقب انداختند» (بزرگ‌علوی، ۱۳۵۷: ج ۶: ۴۶) در ادامه، از رفتار غیرانسانی چماق‌داران صاحبان قدرت سخن می‌گوید که جریان زندگی را برای مردم روستا سخت کرده‌اند. جالب آنکه، مأمور دوم (سرباز بلوچ)، این وضعیت نامطلوب را بارها در سیستان تجربه کرده بود. در چنین فضایی، رعیت به مانند ماشینی برای تولید محصولات کشاورزی و نیز، عاملی جهت افزایش ثروت خان‌ها و حکومت بوده است.

در داستان میرامار نیز، به سیستم اقتصادی فئودالی نقدهایی وارد شده است. حسنی علامی نماینده قشر زمین‌دارانی است که تحت تأثیر انقلاب ۱۹۱۹ میلادی بخش عمده‌ای از دارایی‌های خود را از دست داده‌اند، اما املاک علام مصادره و ضبط نشده است. محفوظ در معرفی این شخصیت از زبان افراد دیگری که در پانسیون میرامار حضور دارند، می‌گوید: «و حسنی علام چه؟ مسیو حسنی هم از خانواده علام طنطا است ... زمینش نه کم شده نه زیاد، انگار که انقلاب حتی تلنگری هم به او نزده [است]» (محفوظ، ۱۳۸۶: ۳۷).

## ۲-۲. وجوه افتراق موضوعات اجتماعی در داستان‌های بزرگ‌علوی و محفوظ

### ۲-۱-۲. موضوعات اجتماعی در داستان‌های بزرگ‌علوی

#### - تبعیض اجتماعی

در کلیت داستان‌های بزرگ‌علوی نشانه‌هایی از تبعیض اجتماعی دیده می‌شود. شخصیت‌ها و صحنه‌ها به گونه‌ای طراحی و خلق شده‌اند که مخاطب با دنبال کردن خط سیر وقایع، مصداق‌های این تبعیض را درک می‌کند. با این حال، در داستان «پادنگ» از مجموعه ورق‌پاره‌های زندان، این مقوله به صورت آشکار و بی‌پرده، بازگو شده است. نویسنده وضعیت زندان را توصیف می‌کند و به شرایط حضور محبوسین سرمایه‌دار اشاره می‌کند که به دلیل پول‌های کلانی که از راه دزدی و اختلاس به دست آورده‌اند، مورد احترام زندانبان‌ها هستند: «خوب این حرف‌ها که بی‌ربط بود. حالا اگر مثلاً آقایان دزدان محترم و مختلسین اموال دولتی جا و منزلشان یک کمی بهتر بود و مأمورین من جمله آقای

رئیس زندان بیشتر به آن‌ها احترام می‌گذاشتند و از همه حیث مراعات حال آن‌ها را می‌کردند و غذای بهتر به آن‌ها می‌دادند...» (بزرگ‌علوی، ۱۳۵۷: ۴).

- خویشتکاری و رسالت هنر و هنرمند در جامعه

بزرگ‌علوی باور دارد که هنر ابزاری برای به دست آوردن ثروت و شهرت نیست و باید با کاربرت ظرفیت‌هایی که دارد، از آن برای انجام کنش‌های اجتماعی و سیاسی و بهبود شرایط زیستی مردم استفاده کرد. نگاه بزرگ‌علوی به هنر، سودآورانه و تجاری نیست، بلکه هنر وسیله‌ای برای افزایش آگاهی و بینش عمومی شمرده می‌شود. بنابراین، هنرمند باید در خلق یک اثر، ابتدا مردم را در نظر داشته باشد و دغدغه‌هایی را در قالب هنر پیاده‌سازی کند که جنبه‌ای همگانی و مردمی دارد. او در رمان «چشم‌هایش» از زبان یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: «بیشتر کسانی که به شکار این مرغ خوش بال و پر می‌روند و راه پرمصیبت هنرمند را پیش می‌گیرند، وسط راه وامی‌زنند. از صدتا، نود نفر وازده هستند و بقیه ده درصد، آنقدر خودخواهند که دست آدم به دامن آن‌ها نمی‌رسد» (بزرگ‌علوی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

## ۲-۲-۲. موضوعات اجتماعی در داستان‌های محفوظ

- بی‌نظمی جامعه و رواج قانون‌گریزی و تسلط نابکاران

در رمان «هزار و یک شب»، اگرچه شخصیت‌هایی تاریخی خلق شده‌اند، اما مسائل روزگار معاصر از زبان آن‌ها مطرح شده است. نویسنده از طریق خلق این شخصیت‌ها و بازگویی صریح‌ترین انتقادات خود را از پیگردهای سیاسی در امان نگاه می‌دارد؛ زیرا این اشخاص مربوط به زمانه‌ای متفاوت هستند و ای بسا متعلق به مناطق دیگری باشند. بر این پایه، محفوظ از دزدی حاکمان، وزیران و به طور کلی، درباریان سخن می‌گوید و رواج بی‌قانونی و فردگرایی را در جامعه -که موجب پیدایی آسیب‌های بسیاری شده است- تبیین می‌کند: «مردم نجیب و مؤمن به بهای جان خود با این‌گونه کارها مخالفت کرده‌اند. افسوس که در حال حاضر، شیادان و دزدان بر ما حکومت می‌کنند. معلوم نیست به چه دلیلی خداوند آن‌ها را مانند شیرترین گاوها در طویله نگاه نمی‌دارد؟» (محفوظ، ۱۳۸۹: ۱۴).

- استعمارستیزی

در رمان «کوچه مدق»، یکی از شخصیت‌ها با نگرشی ستایشی، بر این باور است که برای رشد و ترقی در مصر باید با نیروهای بیگانه به ویژه انگلیسی‌ها در ارتباط بود. اگرچه منافع کشور و مردم دچار خدشه می‌شود، اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، کسب منافع شخصی است. انگلیس به عنوان

کشوری استعمارگر، در نگاه افرادی از این دست، فرصتی برای کسب قدرت و ثروت است. اینان کسانی هستند که تنها در سطح تأمین منافع شخصی متوقف شده‌اند و به سطحی بالاتر نمی‌اندیشند: «باید به ارتش انگلیس بچسبی. ارتش انگلیس گنجی است که تمام نمی‌شود. گنج حسن بصری است» (محفوظ، ۱۳۷۸: ۴۵). نجیب محفوظ در قالب این جملات که از زبان یکی از شخصیت‌ها بازگو شده است، افراد جامعه‌ای را نقد می‌کند که مصالح عمومی را در نظر نمی‌گیرند و با استعمارستایی‌ها و بزرگ‌نشان دادن هیبت و قدرت بیگانگان، فرهنگ نامطلوب خودتحقیری را در جامعه رواج می‌دهند و ضد ارزش را به عنوان یک ارزش فردی مطرح می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

مجتبی بزرگ‌علوی در عرصه داستان‌نویسی فارسی، تحوّل عظیمی در محتوا و مضمون داستان‌ها و رمان‌ها به وجود آورده و با خلق شخصیت‌های مردمی از طبقات گوناگون، به آثار خود، ماهیتی مردمی بخشیده است. او گاهی وضعیت اقشار مرفّه و حاکم بر جامعه را تشریح می‌کند و ابعاد گوناگون زندگی، افکار و رفتارشان را بازنمایی می‌کند و گاهی از لایه‌های فرودست جامعه سخن می‌گوید و مشکلات این گروه را به خوبی انعکاس می‌دهد. سویه‌های سیاسی در آثار داستانی بزرگ‌علوی برجسته‌تر از آثار نجیب محفوظ است. او از طبقاتی انتقاد می‌کند که با رفتارهای سوء خود، مردم را تحت فشار قرار داده‌اند. بزرگ‌علوی صرفاً به این موضوعات نمی‌پردازد، بلکه از مسائل غیرسیاسی هم سخن می‌گوید. روابط خانوادگی، پیوندهای زناشویی و خیانت‌هایی که از سوی زوجین رخ می‌دهد، به خوبی در آثار وی منعکس است. او آسیب‌های جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند، به خوبی می‌بیند و در داستان‌ها طرح می‌کند. زنان در آثار او جایگاه ویژه‌ای دارند. غالب زنان -همان‌طور که قابل پیش‌بینی است- منفعل و درمانده هستند و تحت سیطره و انقیاد مردان خودکامه قرار دارند. البته، در برخی داستان‌های بزرگ‌علوی -هرچند در سطحی محدود- مردانی حضور دارند که به ستایش زنان قدرتمند می‌پردازند و قابلیت‌های آنان را مورد نظر قرار می‌دهند.

نجیب محفوظ نویسنده‌ای اجتماعی است. او سعی می‌کند پیوسته از مسائلی سخن بگوید که مردم به صورت مستقیم با آن روبه‌رو هستند. اگرچه نجیب، جامعه‌شناس نیست، ولی ذهنی جامعه‌گرا دارد و سعی می‌کند به درد مشترک مردم اشاره کند. بافت فرهنگی ویژه مصر و مردمی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند، نجیب را بر آن داشته تا از موضوعاتی صحبت کند که غالب جامعه متوسط و رو به



پایین مصر با آن درگیر هستند. روش محفوظ در اغلب رمان‌ها به این صورت است که در اثنای یک ماجرای عاطفی، مسائل عمده جامعه را شرح می‌دهد و دغدغه‌های خود را به عنوان درد مشترک، تبیین می‌کند. او نویسنده‌ای متعلق به همه توده‌هاست که در آثار خود از همه طبقات جامعه مصر یاد می‌کند. در داستان‌های او فضاهایی ترسیم شده‌اند که مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی هستند. از این رو، مخاطبان آثار او می‌توانند شخصیت‌هایی مشابه خود را در آثار محفوظ بیابند و با آن هم‌ذات‌پنداری کنند. زنان در داستان‌های این نویسنده جایگاه ویژه‌ای دارند. گروهی از زنان، تحت تأثیر هژمونی نرم یا خشن مردانه قرار دارند و از شخصیت مستقل و پویایی برخوردار نیستند. آن‌ها همواره نیازمند حمایت و تأیید مردان هستند تا در سایه آن، خود را شکوفا کنند. شمار محدودی از زنان هم، مستقل و خودکفا توصیف شده‌اند که الگوهای مناسبی برای زنان دیگر هستند. نگاه کلی مردان به زنان همراه با تحقیر و توهین است. یکی از اصلی‌ترین سویه‌های آن، سوءاستفاده‌های جنسی از جنس مؤنث است.

در یک نگاه کلی، وجوه اشتراک موضوعات اجتماعی در آثار داستانی بزرگ‌علوی و محفوظ عبارت است از: انجام مبارزات سیاسی - اجتماعی برای ساختن دنیایی بهتر؛ کنشگری زنانه و شخصیت مستقل آنان؛ نگاه جنسی و ابزاری به زنان و کالانگاری آنان؛ فرهنگ مردسالاری؛ بازنمایی آسیب‌های اجتماعی؛ خفقان سیاسی و اوضاع نامطلوب زندان‌ها و نقد نظام ارباب- رعیتی و فئودالی. افزون بر این موضوعات، بزرگ‌علوی به تبعیض اجتماعی و خویشکاری هنر و هنرمند در جامعه پرداخته و محفوظ نیز، از بی‌نظمی جامعه و رواج قانون‌گریزی و تسلط نابکاران و استعمارستیزی سخن به میان آورده است. در مجموع، داستان‌های این دو، واکنشی ادبی نسبت به رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... بوده است.

جدول ۱. موضوعات اجتماعی آثار داستانی مجتبی بزرگ‌علوی

نام اثر	موضوعات اجتماعی
سالاری‌ها	هرج و مرج سیاسی جامعه، سامانه ارباب-رعیتی، خیانت زن به همسر، باورهای عامیانه، زنان توانمند و خودکفا، مزدوارن کشورهای بیگانه در ایران، بددهنی زنانه، فقر و تنگ‌دستی، رشوه‌ستانی، کالانگاری و نگاه ابزاری به زنان، نگاه منفی و توهین‌آمیز به زنان از سوی مردان
چمدان	عدم استقلال شخصیتی زنان، قضاوت‌های نابجای مردم، فقر و تنگ‌دستی، زنان کنشگر و جسور، مردان زن‌ستا، کالانگاری انسان‌ها، اعتیاد، خشونت مردان علیه زنان، نقد روشنفکرانها
میرزا	تقابل زندگی شهری و روستایی، سامانه ارباب-رعیتی، فضای بسته سیاسی، زن‌ستیزی و تزییع حقوق زنان، بی‌تفاوتی انسان‌ها به هم، قماربازی، کالانگاری زنان و نگاه جنسی به آن‌ها، انزوا و طرد زنان روسپی، آسیب‌های خانوادگی ناشی از خفقان سیاسی
چشم‌هایش	پوشالی بودن رفتار صاحب‌منصبان، کنشگری سیاسی، نابسامانی اوضاع داخلی، تعهد هنری و هنرمند متعهد، زنان پویا، استفاده ابزاری دولت و سیاسی‌ها از هنرمندان، سانسور خبری از سوی نهادهای دولتی
گیله‌مرد	سامانه ارباب-رعیتی، ستم حکومت و نظامیان بر مردم بی‌دفاع، فساد نهاده‌شده در میان نظامیان، فقر و بدبختی مردم، نقد نظام سرمایه‌سالار، بازنمایی تبعیض میان طبقات گوناگون جامعه، تحقیر زنان، تزییع حقوق طبقات فرودست از سوی خان‌ها، پیامدهای منفی ازدواج اجباری، خیانت‌های سیاسی، کنشگری سیاسی علیه حکومت، فساد نهاد دیوان‌سالاری اداری
موریانه	جایگاه منفی ساواک در جامعه، فساد در دربار پهلوی، فساد در نهادهای امنیتی، ترویج فرهنگ ناورای جاسوسی و خبرچینی در میان مردم از سوی ساواک، بی‌عفتی زنان، فعالیت‌های مدنی دانشجویان، بیزاری زنان از مردان، خفقان سیاسی، وابستگی شاه به بیگانگان

ورق‌پاره‌های زندان	بازتاب باورهای عامیانه، سامانه ارباب-عیّتی، تبعیض‌های اجتماعی، وضعیت نامناسب زندانیان در زندان، نگاه ابزاری به زنان، دعوت افراد محافظه‌کار به انفعال سیاسی، نبود آزادی‌های مدنی، وضعیت نامطلوب خانواده‌های زندانیان، ارتباط میان کاستی‌های اجتماعی و افزایش شمار زندانیان، دخالت مردم در زندگی یکدیگر
--------------------	---

جدول ۲. موضوعات اجتماعی آثار داستانی نجیب محفوظ

نام اثر	موضوعات اجتماعی
کوچه مدق	بازنمایی زندگی عادی مردم، تبیین باورهای عامیانه، اتحاد مردمی، تشریح شخصیت سنتی زنان، هژمونی خشن مردانه، نگاه ابزاری به زنان، عدم شخصیت مستقل زنانه، نگاه منفی زنان به مردان
ماه غسل	فاصله طبقاتی، تنش‌های اجتماعی و نبود ثبات در جامعه، بی‌نظمی و قانون‌گریزی، کنشگری زنانه، بدفرجامی بزهکاران، نگاه ابزاری و جنسی به زنان، استعمارستیزی، نزاع و دوستی میان ملت‌ها، مردسالاری، حيله‌گری نهادهای دینی و سیاسی برای سوءاستفاده از مردم، بازنمایی بزه‌هایی چون: دزدی، فقر و ...، خشونت و توهین علیه زنان، تنهایی انسان معاصر
میرامار	نقد سیستم اقتصادی، انتقاد صریح از ملاکان و زمین‌داران، ستم نظامیان به مردم، فقر و تنگ‌دستی، نارضایتی مردم از شرایط سیاسی و اجتماعی، انفعال و اژه‌م‌گسیختگی شخصیت‌ها، کنشگری محدود برخی افراد، ترویج باورهای اسلامی، کالانگاری زنان، هژمونی مردانه علیه زنان، فرهنگ مردسالاری، تضييع حقوق زنان از سوی مردان خودکامه
دزد و سگ‌ها	گسست پیوندهای انسانی در جامعه، بازنمایی آسیب‌های اجتماعی همچون: خیانت، دزدی، بزهکاری و قتل، وابستگی زنان به مردان، تحقیر زنان و بدرفتاری مردان با آن‌ها، عدم خودباوری زنان، اضمحلال آرمان‌های روشنفکرانه و سقوط اخلاقی روشنفکران
گدا	خیانت مرد به همسر و دختر، نگاه ابزاری به زنان، نبود آزادی بیان و خفقان

سیاسی، عدم خودباوری و استقلال زنان، رفتار نامناسب با زندانیان، نبود عشق در جامعه، بدبینی همگانی، نگاه سنت‌زده عوام به هنر	
فرهنگ مردسالار، اعتراض به نحوه اداره کشور، زنان پویا و کنشگر، چیرگی نابکاران در جامعه، تلاش برای ایجاد تغییرات مطلوب در سطوح فردی و اجتماعی، بازنمایی بزه‌های اجتماعی، نگاه ابزاری و جنسی به زنان، عدم خلوص نیت حاکمان، خشونت و توهین علیه زنان و تضییع حقوق آنها	هزار و یک شب

## کتابنامه

۱. باربری، پیر (۱۳۷۸)، «نقد جامعه‌شناختی»، ترجمه جمال آل‌احمد، هنر پاییز، ش ۴۱، ص ۶۰-۷۰.
۲. بزرگ‌علوی، مجتبی (۱۳۱۳)، چمدان، تهران، دانش.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷)، ورق‌پاره‌های زندان، تهران، امیرکبیر.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، میرزا، تهران، نگاه.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، چشم‌هایش، تهران، امیرکبیر.
۶. پوینده، محمدجعفر (۱۳۷۸)، تا دام آخر: گزیده گفتگوها و مقاله‌ها، تهران: چشمه.
۷. حبیبی، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۴)، «واکاوی تطبیقی عنصر صحنه در داستان‌های بزرگ علوی و نجیب محفوظ»، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، ص ۲۹-۴۸.
۸. حیدری، محمود و فتحی‌فتح، ذبیح‌الله (۱۳۹۳)، «بررسی مبانی سوررئالیسم در داستان الشحاذ اثر نجیب محفوظ»، زبان و ادبیات عربی، سال هشتم، ش ۱۰، ص ۶۳-۸۸.
۹. دوبووار، سیمون (۱۳۸۰)، جنس دوّم، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، توس.
۱۰. دهقان اشتیوانی، رضا و شعبانی، اکبر (۱۳۹۷)، «تطبیق مؤلفه‌های رئالیسم و کارکرد آن در داستان‌های گیلهمرد و میرامار»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال ۱۲، ش ۴۷، ص ۳۱-۶۶.
۱۱. الرّویلی، میجان و البازغی، سعد (۲۰۰۰)، دلیل النّاقّد الأدبی، بیروت، مرکز الثّقافه العربی.
۱۲. صلاحی، عسکر و رنجبر، ابراهیم و نبی‌زاده اردبیلی، ندا (۱۳۹۵)، «بررسی داستان گیلهمرد با تکیه بر عوامل نمایشی‌شدن داستان»، ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۹، ش ۴۰، ص ۱۸۳-۲۰۴.
۱۳. عسگری‌حسنکلو، عسگر (۱۳۸۷)، «سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی ادبیات»، ادب‌پژوهی دانشگاه گیلان، ش ۴، ص ۴۳-۶۳.
۱۴. گلدمن، لوسین (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ادبیات؛ دفاع از جامعه‌شناسی رمان، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، هوش و ابتکار.
۱۵. محفوظ، نجیب (۱۳۷۸)، کوچه مدق، ترجمه محمدرضا مرعشی‌پور، تهران، فرهنگ و اندیشه.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، دزد و سگ‌ها، ترجمه بهمن رازانی، چاپ پنجم، تهران، ققنوس.

۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، میرامار، ترجمه رضا عامری، تهران، نی.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، گدا، ترجمه محمد دهقانی، چاپ سوم، تهران، نیلوفر.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، هزار و یک شب، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران، مروارید.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، ماه غسل، ترجمه حسین شمس‌آبادی و فرشته افضلی، تهران، روزگار.
۲۱. محمدسعید، فاطمه‌الزهراء (۱۳۷۸)، سمبولیسم در آثار نجیب محفوظ، ترجمه نجمه رجایی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۲. میرصادقی، جمال (۱۳۹۴)، ادبیات داستانی، تهران، سخن.
۲۳. میرعبدینی، حسن (۱۳۹۱)، سیر تحول ادبیات داستانی و نمایشی (۱۳۲۲-۱۳۲۰)، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، تاریخ ادبیات داستانی ایران، تهران، سخن.
۲۵. هاشمیان، لیلا و کمالی، راحله (۱۳۹۰)، «نقد روان‌شناختی داستان "سرباز سربی" بزرگ علوی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۳، ص ۱۳۳-۱۴۸.